



توانمندی دولتها در پاسخ به بحران کرونا

در این نوشتار بیان شده است که شیوه‌های حکمرانی، عامل تأثیرگذار اصلی بر کامیابی یا ناکامی کشورها در مدیریت بحران کرونا بوده است و عواملی دیگری مانند شکل حکومت، توانایی‌های مالی و فناورانه کشورها، همبستگی اجتماعی و فرهنگ عمومی، تنها هنگامی می‌توانند نقش قابل توجهی ایفا کنند که در چارچوب یک الگوی حکمرانی مطلوب بحران قرار گیرند.

در بخشی از این مقاله آمده است:

در این نوشتار تلاش کردیم نشان دهیم که عامل تأثیرگذار اصلی بر کامیابی یا ناکامی کشورها در مدیریت بحران کرونا، شیوه‌های حکمرانی بود. تمام عوامل تأثیرگذار دیگر، از جمله شکل حکومت، توانایی‌های مالی و فناورانه کشورها، همبستگی اجتماعی و فرهنگ عمومی، تنها هنگامی می‌توانستند نقش قابل توجهی ایفا کنند که در چارچوب یک الگوی حکمرانی مطلوب بحران قرار گیرند. دوگانه‌های مؤثر و تعیین‌کننده در مدیریت بحران کرونا، از جنس دوگانه‌های ناظر به شکل و ساختار حکومت‌ها نبود.

مسأله، دموکراسی‌های سست‌کردار، کندکردار، پراکنده و در نتیجه ناموفق در مقابل غیردموکراسی‌های استوار، سریع، متمرکز و در نتیجه موفق نبود. فرهنگ و الگوهای رفتاری مردمان این کشورها نیز نمی‌تواند چیز زیادی برای توضیح کارنامه‌های متفاوت داشته باشد. حتی شهروندان سوئدی هم تا وقتی صرفاً توصیه و خواهش از حکومتشان شنیدند اعتنای چندانی به آن نکردند. سطح ثروت، میزان توسعه‌یافتگی فناورانه و حتی شاخص‌های حوزه سلامت هم تنها در کشورهایی تسهیل‌کننده شده‌اند که حکمرانی بحران دارای ویژگی‌های شش‌گانه‌ای بوده است که پیش‌تر گفتیم.

آنچه برآستی تعیین‌کننده شد و برون‌دادهای متفاوتی را رقم زد، دوگانه‌های استراتژیک در حکمرانی بحران بود: آیا کشورها می‌توانند در پذیرش بحران و عظمت واقعی آن اجماع ایجاد کنند، یا اینکه روزهای زیادی را به انکار بحران یا دست‌کم گرفتن آن می‌پردازند؟ آیا پاسخی درخور، سریع و به‌هنگام به بحران می‌دهند یا تصمیمات مهم را فقط به صورت معوق و در نتیجه فشار اضطرار اتخاذ می‌کنند؟ آیا می‌توانند در مورد اجرای یک استراتژی واحد، مشخص، هماهنگ و فراگیر به اجماع برسند یا روزهای حساس برای تصمیم‌گیری را با تشتت و سردرگمی استراتژیک به شب می‌رسانند؟ آیا مرجعیت علم و تخصص را در تجویزهای سیاستی می‌پذیرند یا بر شهود سیاستمداران، مصلحت‌سیاسی، نفوذها و فشارها، و تبیین‌ها و تجویزهای ماورایی تکیه می‌زنند؟ آیا در جلب اعتماد مردم کامیاب‌اند یا بحران اعتماد از پیش موجود را تشدید می‌کنند؟ و در نهایت، آیا برای اجرای برنامه‌ها و اقدام‌های ضدبحران خود توانمندی اجرایی و فناورانه لازم را دارند یا حتی بهترین برنامه‌ها در مرحله اجرا ناکام می‌مانند یا اساساً ضعف اجرایی مانع اتخاذ تصمیمات دشوار اما لازم می‌شود؟

این انتخاب‌های استراتژیک، تفاوت بین کشورهای موفق و ناموفق در مهار بحران کرونا را تعیین کردند. کشورهای موفق اغلب یا تمام این ویژگی‌های مطلوب را در شیوه حکمرانی بحران خود به نمایش گذاشتند، کشورهای ناموفق فاقد اغلب یا تمام این ویژگی‌ها بودند.

برای مطالعه و دریافت متن کامل این مقاله، روی لینک زیر کلیک کنید.